

---

## تأثیر درس تربیت بدنی عمومی بر هویت ورزشی دانشجویان دانشگاه آزاد

---

سیامک البرز<sup>۱</sup>، بهرام قدیمی<sup>۲\*</sup>، اکبر آفرینش خاکی<sup>۳</sup>

ص.ص: ۸۵-۱۰۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۰۳

تاریخ تصویب: ۹۹/۰۱/۲۶

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر تاثیر واحدهای تربیت بدنی و ورزش ۱ بر هویت ورزشی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد بود. به همین منظور مقیاس هویت ورزشی چزلاک (۲۰۰۴) در دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون در اختیار ۲۳۰ دانشجوی مقطع کارشناسی که واحدهای عمومی تربیت بدنی و ورزش ۱ را در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ اخذ کرده بودند قرار گرفت. جهت بررسی تغییرات درون گروهی از آزمون تی همبسته و آزمون ویلکاکسون استفاده شد. میانگین نمره هویت ورزشی دانشجویان دختر به گونه معناداری افزایش یافت ( $P=0/001$ )، در حالی که میانگین نمره هویت ورزشی دانشجویان پسر تغییر معناداری نکرد ( $P=0/227$ ). میانگین نمره زیرمقیاس هویت اجتماعی دانشجویان دختران ( $P=0/001$ ) و پسران ( $P=0/008$ ) در پس آزمون نسبت به پیش آزمون به گونه معناداری افزایش یافت. میانگین نمره زیرمقیاس انحصارگرایی دانشجویان دختران ( $P=0/087$ ) و پسران ( $P=0/501$ ) در پس آزمون نسبت به پیش آزمون به گونه‌ی معناداری تغییر نکرد. به طور کلی واحد تربیت بدنی عمومی بر هویت ورزشی دانشجویان بویژه دانشجویان دختر تأثیرگذار بود. واحدهای تربیت بدنی عمومی دانشگاه‌ها فرصتی است که می‌توان از طریق آن نقش ورزشی افراد را تقویت و زمینه را برای ارتقای مولفه‌های درونی و بیرونی هویت ورزشی که هدف نهایی آن توسعه نگرش مثبت دانشجویان به ورزش و فعالیت بدنی است را فراهم نمود.

**واژه‌های کلیدی:** دانشجویان پسر و دختر، درس تربیت بدنی و ورزش ۱، هویت ورزشی.

---

۱. دانشجوی دکتری، گروه جامعه شناسی ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران

جنوب، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه جامعه شناسی ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات،

تهران، ایران

۳. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

\* ایمیل نویسنده مسئول: dr.b.ghadimi@gmail.com

---

---

## **The Effect of General Physical Education Course on Athletic Identity of Azad University Students**

---

**Alborz, S. (MA), Ghadimi, B. (PhD), Afarinesh Khaki, A. (PhD)**

### **Abstract**

The aim of the present study was to investigate the effect of physical education and sport 1 courses on athletic identity of the female and male Azad University students. The athletic identity scale made by Cieslak (2004) was distributed in the pretest and posttest among 230 undergraduate students who had adopted general physical education and sport 1 courses in 2018-2019 academic year. Paired t test and Wilcoxon tests were used to assess within-group changes. The mean score of athletic identity significantly increased in female students ( $P=0.001$ ), while the mean score of athletic identity did not change significantly in male students ( $P=0.227$ ). Posttest mean score of social identity subscale of the female ( $P=0.001$ ) and male ( $P=0.008$ ) students significantly increased compared with the pretest. Posttest mean score of exclusivity subscale did not change significantly in both female ( $P=0.087$ ) and male ( $P=0.501$ ) students compared with the pretest. Generally, physical education course affected athletic identity of students, especially female students. General physical education course in universities provides an opportunity to enhance the sport role of the students and lay the groundwork to promote the internal and external components of athletic identity whose aim is to develop students' positive attitudes to sport and physical activity.

**Keywords:** male and female students, physical education and sport 1 course, athletic identity

## مقدمه

بررسی اندیشه‌ها و الگوی های تربیتی در طول قرن‌ها و تمدن‌ها نشان می‌دهد که ورزش و تربیت بدنی در بافت ناظم آموزشی جایگاه متمایز و برجسته‌ای یافته و ضمن استفاده گسترده در حوزه‌های مختلف اجتماعی به یک میانجی تربیتی برای جامعه شناسان و متخصصین سایر علوم تبدیل شده است زمانی که صحبت از اهداف تعلیم و تربیت به میان می‌آید، نقش تربیت بدنی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها، تحقق اهداف را از طریق طرح ریزی برنامه‌های سالم و کاربردی منجر می‌شود. رویکرد عمومی و کلی در این راستا ایجاد نظام آکادمیک واحدی بود که می‌توانست جنبه‌ها، اهداف و حیطه‌های گوناگون تربیت بدنی را در پرتو نظریات و مباحث مختلف و البته بر مبنای پژوهش‌های بنیادی و کاربردی تبیین و شناسایی نماید. با برقراری پیوندهای کارکردی میان ورزش، تربیت و آموزش، فعالیت‌های ورزشی به ابزاری تربیتی بسیار ارزشمندی تبدیل شدند (۲۲). به طور کلی امروزه چندین هدف عمده آموزشی برای مربیان تربیت بدنی شناسایی شده‌اند که از میان این اهداف می‌توان به توسعه مهارت‌های حرکتی، پیشرفت جسمانی، گذران اوقات فراغت، رشد و پیشرفت شناختی، کارکردهای اجتماعی، خودشناسی، پیشرفت اخلاقی و ثبات احساسی اشاره کرد با توجه به این موارد، حضور برنامه‌های تربیت بدنی در دوره‌های آموزشی و تربیتی به یک ضرورت تبدیل شده و بحث پیرامون اثرات مختلف آن بر نگرش و رفتارهای دانشجویان، سیر گسترده‌ای از ادامه پژوهش‌ها را در بر گرفته است.

واحدهای تربیت بدنی عمومی، دوره‌هایی آموزشی در دانشگاه‌ها هستند که در راستای پژوهش‌های بسیاری پیرامون ضرورت تربیت بدنی، در برنامه‌های آموزشی و تربیتی تدوین و اجرا می‌شود. مسئولین آموزش عالی در کشورهای توسعه یافته دریافته‌اند که سرمایه‌گذاری و توجه هر چه بیشتر بر روی این دوره آموزشی و تلاش برای تحقق اهداف آن، می‌تواند ضمن تغییر نگرش دانشجویان به سمت و سوی مثبت، چشم انداز سلامت و بهره‌وری جامعه را نیز پیش بینی کند. بنابراین آنچه در اینجا از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود، میزان اثر بخشی این دوره آموزشی بر اهداف مورد انتظار جامعه به ویژه رشد و توسعه هویت جوانان است که به ضرورتی مهم در دنیای مدرن تبدیل شده است. هویت ورزشی برای شخصی که هویت خود را با نقش ورزشی شناسایی می‌کند همچون درجه‌ای از قدرت و انحصارگرایی تعریف شده است (۳). افراد با هویت بالای ورزشی، ارزش « خود » را بر مبنای عملکرد ورزشی قرار داده و تمایل به تقویت عزت نفس از طریق هویت ورزشی قوی خود دارند. در نتیجه اکثر این افراد بر اساس مشارکشان در ورزش، هویت خود را تقویت می‌کنند (۷). بر طبق سنت، جامعه مردان و ورزشکاران را بیشتر از زنان و افراد غیر ورزشکار به ورزش ترغیب می‌کند. بنابراین جامعه ورزش را به عنوان یک فعالیت مردانه به تصویر کشیده است و به شرکت مردان و ورزشکاران در ورزش بیشتر از زنان و افراد غیر ورزشکار اهمیت می‌دهد. این مسئله اهمیت موضوع هویت ورزشی را بیش از پیش نمایان می‌سازد (۱۰). تحقیقات در دو دهه قبل در زمینه کارایی مربیگری بیشتر بر شناخت خصوصیات مربیگری، سبک‌های رهبری و الگوهای رفتاری مربی متمرکز بوده است. بر اساس این مطالعات، مربی کارآمد فردی است که

توانایی تغییر نتیجه، اجرای موفقیت‌آمیز و مهم‌تر از همه توانایی واکنش‌های روانی مثبت در تیم داشته باشد (۱۱). چون عملکرد ورزشی فرد تحت تاثیر عوامل روانی و اجتماعی زیادی قرار دارد که شناخت این عوامل برای مربی بسیار تعیین کننده است. عوامل روانی و عاطفی ورزشکاران در گروه‌های متفاوتی دسته‌بندی شده و مورد مطالعه قرار گرفته است. آنچه که اهمیت دارد ضرورت بررسی و مطالعه تمام موارد و عوامل است که در همین زمینه هویت ورزشی به عنوان جنبه بسیار مهمی از رفتار روانی، اجتماعی ورزشکاران مورد مطالعه قرار می‌گیرد. هویت ورزشی به عنوان میزان قدرت و درجه‌ای که افراد خود را نقش ورزشکار بودن می‌شناسند تعریف شده است. در همین ارتباط گود و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) معتقدند ورزشکاران با هویت ورزشی بالا به مشارکت ورزشی متعهد شده و باعث شده خود را به طور محض ورزشکار بدانند. همچنین افراد با هویت ورزشی بالا، ارزش خود را مبنای عملکرد ورزشی قرار داده و تمایل به تقویت عزت نفس از طریق هویت ورزشی خود دارند (۹).

مارتین (۲۰۰۶) معتقد است که افراد هویت‌های ورزشی قوی را از طریق رشد مهارت‌ها، اطمینان و تعاملات اجتماعی در خلال ورزش بنا می‌نهند که این مسئله می‌تواند متأثر از رفتارها و سبک‌های رهبری مربیان باشد (۱۸). بر اساس نظر چزلاک (۲۰۰۴) مربیان تیم‌های ورزشی همواره نسبت به اثرگذاری نقش هویت‌های مختلف بر عملکرد ورزشکارانشان نگرانند. از طرف دیگر مربیانی که نوجوانان و جوانان را در حیطه ورزشی آموزش می‌دهند، ارتباط عاطفی نزدیکی با آنان دارند، در نتیجه رفتارهای مربیگری آنها می‌تواند بر شخصیت و هویت درونی و بیرونی آنها تأثیر بسزایی داشته باشد (۷). مدل‌های پیشرفته هویت ورزشی از یک دید تعامل‌گرایانه نمادین استفاده می‌کنند که بر درک و توضیح چگونگی تاثیر ساختارهای اجتماعی (مولفه‌های بیرونی) و خود ارزیابی (مولفه‌های درونی) بر خود و رفتار اجتماعی تمرکز دارند. فرآیند اجتماعی شدن شامل مولفه‌های بیرونی چون خانواده، دوستان، مربیان، معلمان و رسانه است که بر درجه مشارکت ورزشی فرد و در ادامه بر رشد خود و قدرت هویت ورزشی او تأثیر می‌گذارند (۱۹). مولفه‌های بیرونی به واسطه گروه‌های درون جامعه مانند خانواده، دوستان، مربیان، معلمان، رسانه‌ها و همچنین پدیده‌های محتوایی آن مانند مذهب، ورزش، تحصیل و غیره دارای تاثیرات قابل توجهی بر دانشجو دارند. به طوری که عناصر تعیین کننده هویت اجتماعی، مرجع گزارش فرد از شناخت اجتماعی او نسبت به ورزش بوده و انحصارگرایی نیز به اهمیت ورزش نسبت به دیگر فعالیت‌ها اشاره دارد (۹). در این ارتباط برور (۱۹۹۳) بیان کرد که خانواده، مربیان، دوستان، معلمان و رسانه‌ها در تشکیل، شناسایی و حمایت از هویت ورزشی نقش بسیار مهم و تاثیرگذاری را دارند (۳). همچنین هورتون و مک (۲۰۰۰) نشان دادند ورزشکارانی که زمان بیشتری را با مربی و هم‌تیمی‌های خود سپری می‌کنند هویت ورزشی قوی تری دارند (۱۵).

<sup>1</sup> Good et al

از طرفی مولفه‌های درونی به میزان تاثیرپذیری ادراکات فردی، نظیر ارزیابی و تفسیر نقش ورزشکاری فرد اطلاق می‌شوند. عامل هویت خود، به ادراکات بازخوردهای منفی مشارکت ورزشی مربوط می‌شوند. عناصر منعکس کننده تاثیرپذیری منفی، به احساسات نامطلوب ناشی از بازخوردهای منفی مشارکت ورزشی مربوط می‌شوند و تاثیرپذیری مثبت که به عنوان یک عامل جدید به مدل‌های پیشرفته هویت ورزشی اضافه شده است، به ارزیابی مشارکت ورزشی فرد پرداخته و بر احساسات مثبت وی در پاسخ به نتایج مطلوب مشارکت ورزشی دلالت دارد (۱۹). نتایج برخی پژوهش‌ها، از وجود تفاوت در هویت ورزشی افراد خبر داده و بیان می‌کنند که هویت ورزشی افراد به تفکیک سطح مشارکت ورزشی تغییر می‌کند. آنان افزایش هویت ورزشی را در نتیجه افزایش مشارکت ورزشی محتمل دانسته و بر آن تاکید می‌ورزند (۲۰، ۲۴، ۲۶). با این حال نتایج برخی پژوهش‌ها با موارد فوق متفاوت است (۲۰، ۱۲). برور و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) بیان کردند افرادی که نمره بالاتری در مقیاس هویت ورزشی کسب می‌کنند، دارای علاقه‌مندی بیشتری برای حضور در برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی هستند و این امر نشان دهنده مثبت‌تر شدن نگرش آنان نسبت به ورزش و فعالیت بدنی است (۳). تحقیقات برنز و همکاران (۲۰۱۲) در رابطه با هویت ورزشی با متغیر فردی رضایت‌مندی نشان داد که بین همه خرده مقیاس‌های هویت ورزشی با رضایت‌مندی ورزشکاران رابطه معنی‌داری وجود دارد (۵). آندرسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) رابطه میان هویت ورزشی و رفتار تمرینی را مورد بررسی قرار داد و بیان کرد بین رفتار تمرینی، تناوب تمرینی و هویت ورزشی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد (۲). بورنز (۲۰۱۲) در پژوهش خود به بررسی ارتباط بین هویت ورزشی تفاوت‌های فردی و رضایت ورزشکاران در میان دانش آموزان ورزشکار پرداخت. نتایج حاصل از یافته‌های وی ارتباط بین هویت اجتماعی، عواطف منفی و رضایت‌مندی ورزشکاران را نشان داد (۵). کابریتا و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی ویژگی‌های شخصیتی همراه با سن، جنسیت و سطح رقابت در هویت ورزشی ورزشکاران پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که ویژگی شخصیتی برون‌گرا و سطح رقابت دو عامل تعیین کننده هویت ورزشی هستند (۶). یوکیمکو (۲۰۱۸) به بررسی هویت ورزشی دانشجویان ورزشکار پرداختند. نتایج یافته‌های آنها نشان داد که هویت ورزشی، می‌تواند رفتار ورزشی دانشجویان را پیش بینی کند (۲۷). بنابراین با توجه به جایگاه مهم هویت ورزشی دانشجویان و اثراتی که بر جنبه‌های عملکردی و روانی آنها می‌گذارد و با توجه به نقش عمده و اثرگذار مدرسین درس تربیت بدنی در فرایند شکل‌گیری آن، پی بردن به این موضوع که واحدهای تربیت بدنی عمومی بر هویت ورزشی دانشجویان چه اثری دارد ضروری به نظر می‌رسد. از طرف دیگر بیشتر تحقیقات هویت ورزشی ورزشکاران را مورد بررسی قرار داده است اما این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا دروس تربیت بدنی عمومی بر هویت دانشجویان غیرورزشکار تاثیرگذار است؟ و آیا تفاوتی در بین پسران و

<sup>1</sup> Brewer et al

<sup>2</sup> Anderson

دختران دیده می شود؟ نتایج این تحقیق می تواند دست اندرکاران تربیت بدنی را در ارائه راهکارهای اثربخش به منظور ارتقاء سطح کیفی واحدهای تربیت بدنی عمومی دانشگاه‌ها یاری نماید.

### روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ روش اجرا از نوع تحقیقات شبه تجربی بوده و از لحاظ هدف پژوهش از نوع کاربردی بوده و دلیل انتخاب این روش، بررسی تأثیرات متغیر مستقل (واحدهای تربیت بدنی عمومی) بر متغیر وابسته (هویت ورزشی) در دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون می باشد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی که واحد تربیت بدنی عمومی را اخذ کرده بودند، تشکیل دادند. تعداد این دانشجویان در حدود ۱۵۰۰ نفر بود. تعداد نمونه براساس جدول کوهن در سطح معنی داری ۰/۰۵ با اندازه اثر ۰/۵۰ و توان آزمون ۰/۸۰ با تخصیص متناسب در هر طبقه براساس واحد تربیت بدنی عمومی و جنسیت آزمودنی‌ها تعیین شد. از میان جامعه آماری مجموعاً بیش از ۲۷۴ هویت ورزشی در میان دختران و پسرانی که واحد تربیت بدنی را اخذ کرده بودند، توزیع شد. از این میان تعداد ۲۳۰ پرسشنامه مورد توجه قرار گرفت (۱۴۳ پرسشنامه مربوط به دانشجویان دختر و ۸۷ پرسشنامه مربوط به دانشجویان پسر) و مابقی پرسشنامه‌ها حذف شدند. پرسشنامه به عنوان یکی از متداول‌ترین ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها در تحقیقات است. در این پژوهش از دو پرسشنامه استفاده شد:

۱. پرسشنامه مشخصات فردی دانشجویان، در راستای اهداف پژوهش، این پرسشنامه توسط محقق تهیه شد و در آن اطلاعات مربوط به ویژگی‌های فردی دانشجویان از جمله سن، جنسیت و سابقه ورزشی از نمونه‌های پژوهش جمع‌آوری شد.
۲. پرسشنامه ارزیابی هویت ورزشی، به منظور اندازه‌گیری میزان هویت ورزشی آنان از مقیاس تکمیلی هویت ورزشی ساخته شده توسط چزلاک (۲۰۰۴) استفاده گردید. این مقیاس ۲۲ گزینه‌ای، عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری هویت ورزشی را با پنج زیر مقیاس مورد ارزیابی قرار می‌دهد که شامل مقیاس هویت اجتماعی (۵ گویه)، انحصارگرایی (۵ گویه)، هویت خود (۴ گویه)، تاثیرپذیری منفی (۴ گویه) و تاثیرپذیری مثبت (۴ گویه) است. ضمن این که از یک مقیاس ۱۰ ارزشی (۰ = کاملاً مخالف تا ۱۰ = کاملاً موافق) نیز برای کمی‌سازی آن استفاده شد. همچنین پرسشنامه هویت ورزشی قبلاً در ایران توسط شجاع (۱۳۸۸) مورد اعتبارسازی قرار گرفته است (۲۳). در این پژوهش نیز به عنوان ابزار مورد نیاز انتخاب و به منظور تطبیق مجدد محتوای پرسشنامه با نمونه و اهداف پژوهش، در اختیار سه متخصص جامعه‌شناسی، روانشناسی و تربیت بدنی قرار گرفته و بدین وسیله محتوای آن مورد تایید قرار گرفت. پایایی مقیاس نیز در یک مطالعه مقدماتی مورد بررسی قرار گرفته و آلفای کرونباخ ۰/۸۲ برای آن تعیین شد. ضمن این که شجاع (۱۳۸۸) آلفای کرونباخ مقیاس مذکور را ۰/۸۷ گزارش کرد (۲۳).

در ابتدای انجام این پژوهش، مجوز توزیع پرسشنامه‌ها در کلاس‌ها اخذ گردید. سپس پرسشنامه‌ها در پاکت‌هایی جداگانه در اختیار اساتید واحدهای تربیت بدنی عمومی قرار گرفتند تا در اولین و آخرین جلسه کلاس، آنها را در بین دانشجویان توزیع کنند. افرادی که دارای سوابق قهرمانی در رشته‌های ورزشی بودند از بین آزمودنی‌ها حذف گردیدند، چرا که به دلیل بالا بودن هویت ورزشی آنها نتایج را می‌توانستند تحت تاثیر قرار دهند. توضیحات لازم درباره نحوه پاسخگویی به پرسش‌ها به گونه قابل فهم و مدت زمان لازم جهت عودت پرسشنامه ارائه شده بود. در پایان پرسشنامه جمع آوری و در اختیار متخصص آماری قرار گرفت.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. قبل از تعیین نوع آزمون مورد استفاده، لازم بود از نرمال بودن متغیرها مطمئن شویم. بنابراین برای تعیین نرمال بودن هویت ورزشی و مؤلفه‌های آن که از نوع فاصله‌ای هستند از آزمون کلوموگروف اسمیرنوف<sup>۱</sup> استفاده گردید. در صورتی که متغیرها نرمال باشند استفاده از آزمون پارامتریک *t* همبسته و در غیر این صورت استفاده از آزمون معادل ناپارامتریک ویلکاکسون مد نظر قرار گرفت. ضمن این که تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (نسخه ۱۶) در سطح معناداری  $P < 0/05$  انجام شد.

#### یافته های تحقیق

مطابق اطلاعات جدول ۱ ملاحظه می‌شود که هویت ورزشی دانشجویان پسر در پس آزمون تغییر معناداری نکرد ( $P=0/227$ )، در حالی که هویت ورزشی دانشجویان دختر در پس آزمون به گونه‌ی معناداری بیشتر از پیش آزمون می‌باشد ( $P=0/001$ ).

جدول ۱: آزمون *t* همبسته برای متغیر هویت ورزشی برای دانشجویان پسر و دختر

متغیر	میانگین و انحراف استاندارد در پیش آزمون	میانگین و انحراف استاندارد در پس آزمون	مقدار <i>t</i>	درجه آزادی	ارزش <i>P</i>
هویت ورزشی در پسران	۱۳۳/۶۴±۳۸/۳۸	۱۳۶/۸۵±۴۰/۶۶	۱/۲۱۷ -	۸۷	۰/۲۲۷
هویت ورزشی در دختران	۱۲۶/۵۳±۳۴/۸۶	۱۳۴/۵۶±۳۶/۰۱	۳/۲۹۹ -	۱۴۳	۰/۰۰۱

<sup>1</sup>Kolmogorov-Smirnov

مطابق اطلاعات جدول ۲ ملاحظه می‌شود که هویت اجتماعی دانشجویان پسر در پس آزمون به گونه‌ی معناداری بیشتر از پیش آزمون می‌باشد ( $P=0/008$ ). همچنین که هویت اجتماعی دانشجویان دختر نیز در پس آزمون به گونه‌ی معناداری بیشتر از پیش آزمون می‌باشد ( $P<0/001$ ).  
جدول ۲: آزمون t همبسته برای متغیر هویت اجتماعی برای دانشجویان پسر و دختر

متغیر	میانگین و انحراف استاندارد در پیش آزمون	میانگین و انحراف استاندارد در پس آزمون	مقدار t	درجه آزادی	ارزش P
هویت اجتماعی در پسران	۲۶/۵۱±۸/۷۳	۲۸/۵۶±۸/۹۹	۲/۶۹۳ -	۸۷	۰/۰۰۸
هویت اجتماعی در دختران	۲۳/۰۸±۸/۰۸	۲۵/۷۴±۸/۸۷	۳/۸۶۳ -	۱۴۳	<۰/۰۰۱ P

مطابق اطلاعات جدول ۳ ملاحظه می‌شود که متغیر انحصارگرایی دانشجویان پسر در پس آزمون تغییر معناداری نکرد ( $P=0/501$ )، همچنین متغیر انحصارگرایی دانشجویان دختر نیز در پس آزمون تغییر معناداری نکرد ( $P=0/087$ ).

جدول ۳: آزمون t همبسته برای متغیر انحصارگرایی برای دانشجویان پسر و دختر

متغیر	میانگین و انحراف استاندارد در پیش آزمون	میانگین و انحراف استاندارد در پس آزمون	مقدار t	درجه آزادی	ارزش P
انحصارگرایی در پسران	۲۷/۸۴±۱۲/۳۷	۲۸/۳۹±۱۱/۳۰	۰/۶۷۶ -	۸۷	۱/۵۰۱ ۰
انحصارگرایی در دختران	۲۶/۲۰±۱۱/۳۳	۲۷/۶۰±۱۰/۸۱	۱/۷۲۵ -	۱۴۳	۱/۰۸۷ ۰



مطابق اطلاعات جدول ۴ ملاحظه می‌شود که متغیر هویت خود دانشجویان پسر در پس آزمون تغییر معناداری نکرد ( $P=0/840$ )، در حالی که متغیر هویت خود دانشجویان دختر در پس آزمون به گونه‌ی معناداری بیشتر از پیش آزمون می‌باشد ( $P<0/001$ ).

جدول ۴: آزمون t همبسته برای متغیر هویت خود برای دانشجویان پسر و دختر

متغیر	میانگین و انحراف استاندارد در پیش آزمون	میانگین و انحراف استاندارد در پس آزمون	مقدار t	درجه آزادی	ارزش P
هویت خود در پسران	$23/43 \pm 1/78$	$23/55 \pm 9/33$	$0/202$	۸۷	۰/۸۴۰
هویت خود در دختران	$20/58 \pm 9/27$	$22/79 \pm 8/49$	$3/760$	۱۴	$<0/001$
			-	۳	P

مطابق اطلاعات جدول ۵ ملاحظه می‌شود که متغیر تاثیرپذیری منفی دانشجویان پسر در پس آزمون تغییر معناداری نکرد ( $P=0/052$ )، همچنین متغیر تاثیرپذیری منفی دانشجویان دختر نیز در پس آزمون تغییر معناداری نکرد ( $P=0/941$ ).

جدول ۵: آزمون ویلکاکسون برای متغیر تاثیرپذیری منفی برای دانشجویان پسر و دختر

متغیر	میانگین و انحراف استاندارد در پیش آزمون	میانگین و انحراف استاندارد در پس آزمون	مقدار Z	ارزش P
تاثیرپذیری منفی در پسران	$31/90 \pm 7/90$	$30/93 \pm 7/25$	$1/940$	۰/۰۵۲
تاثیرپذیری منفی در دختران	$32/50 \pm 6/65$	$32/37 \pm 7/30$	$0/074$	۰/۹۴۱

مطابق اطلاعات جدول ۶ ملاحظه می‌شود که متغیر تاثیرپذیری مثبت دانشجویان پسر در پس آزمون تغییر معناداری نکرد ( $P=0/122$ )، در حالی که متغیر تاثیرپذیری مثبت دانشجویان دختر در پس آزمون به گونه‌ی معناداری بیشتر از پیش آزمون می‌باشد ( $P=0/010$ ).

جدول ۶: آزمون t همبسته برای متغیر تاثیرپذیری مثبت برای دانشجویان پسر و دختر

متغیر	میانگین و انحراف استاندارد در پیش آزمون	میانگین و انحراف استاندارد در پس آزمون	مقدار t	درجه آزادی	ارزش P
تاثیرپذیری مثبت در پسران	۲۳/۹۵±۹/۲۴	۲۵/۳۹±۹/۲۹	۱/۵۶۰	۸۷	۰/۱۲۲
تاثیرپذیری مثبت در دختران	۲۴/۱۶±۹/۷۹	۲۶/۰۴±۹/۶۶	۲/۶۲۶	۱۴۳	۰/۰۱۰

مطابق اطلاعات جدول ۷ ملاحظه می‌شود که مولفه‌های درونی دانشجویان پسر در پس آزمون تغییر معناداری نکرد ( $P=0/۷۲۶$ )، در حالی که مولفه‌های درونی دانشجویان دختر در پس آزمون به گونه‌ی معناداری بیشتر از پیش آزمون می‌باشد ( $P=0/۰۰۸$ ).

جدول ۷: آزمون t همبسته برای مولفه‌های درونی برای دانشجویان پسر و دختر

متغیر	میانگین و انحراف استاندارد در پیش آزمون	میانگین و انحراف استاندارد در پس آزمون	مقدار t	درجه آزادی	ارزش P
مولفه‌های درونی در پسران	۷۹/۲۹±۲۱/۴۸	۷۹/۸۸±۲۲/۷۰	۰/۳۵۲	۸۷	۰/۷۲۶
مولفه‌های درونی در دختران	۷۷/۲۵±۲۰/۸۶	۸۱/۲۱±۲۱/۰۹	۲/۶۹۸	۱۴۳	۰/۰۰۸

مطابق اطلاعات جدول ۸ ملاحظه می‌شود که مولفه‌های بیرونی دانشجویان پسر در پس آزمون به گونه‌ی معناداری بیشتر از پیش آزمون می‌باشد ( $P=0/۰۴۹$ )، همچنین که مولفه‌های بیرونی دانشجویان دختر نیز در پس آزمون به گونه‌ی معناداری بیشتر از پیش آزمون می‌باشد ( $P=0/۰۰۱$ ).

جدول ۸: آزمون t همبسته برای مولفه‌های بیرونی برای دانشجویان پسر و دختر

متغیر	میانگین و انحراف	میانگین و انحراف	مقدار t	درجه	ارزش P
-------	------------------	------------------	---------	------	--------

	آزادی		استاندارد در پس آزمون	استاندارد در پیش آزمون	
مولفه‌های بیرونی در پسرها	۸۷	۱/۹۹۷ -	۵۶/۹۶±۱۹/۰۵	۵۴/۳۵±۱۹/۳۲	۱/۰۴۹ ۰
مولفه‌های بیرونی در دخترها	۱۴۳	۳/۳۳۶ -	۵۳/۳۴±۱۷/۳۲	۴۹/۲۸±۱۶/۶۱	۱/۰۰۱ ۰

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش تاثیر دروس تربیت بدنی عمومی بر هویت ورزشی دانشجویان دختر و پسر بود. نتایج پژوهش نشان داد که دروس تربیت بدنی عمومی بر هویت ورزشی دانشجویان دختر تاثیر دارد اما بر هویت ورزشی دانشجویان پسر تاثیر ندارد. هویت ورزشی که از آن به عنوان نماد جامعه شناختی مشارکت ورزشی یاد می‌شود، معیار دقیق و البته متفاوتی برای تعیین میزان و کیفیت نگرش و مشارکت ورزشی افراد محسوب می‌شود. ارتقای هویت ورزشی در یک دانشجویان می‌تواند تا آنجا پیش رود که نقش ورزشکاری آنها در مقایسه با سایر نقش‌ها با قدرت بیشتری مورد تایید قرار گیرد. نتایج برخی پژوهش‌ها از وجود تفاوت در هویت ورزشی افراد خبر داده و بیان می‌کنند که هویت ورزشی افراد با سطح مشارکت ورزشی آنها تغییر می‌کند. این مطالعات افزایش هویت ورزشی را در نتیجه افزایش مشارکت ورزشی متحمل می‌دانند و بر آن تاکید می‌ورزند (۹،۲۴). به عقیده برور و همکاران (۱۹۹۳) افرادی که نمره بالاتری در مقیاس هویت ورزشی کسب می‌کنند، علاقه بیشتری برای حضور در برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی دارند که نشان دهنده مثبت‌تر شدن نگرش آنها به ورزش و فعالیت بدنی است که با تحقیق حاضر همخوانی دارد (۴). آندرسون (۲۰۰۷) رابطه میان هویت ورزشی و رفتار تمرینی را مورد بررسی قرار داد و بان کرد بین رفتار تمرینی، تناوب تمرینی و هویت ورزشی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد که با تحقیق حاضر همخوانی دارد (۲).

لامنت مایلز و کریستنسن<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) هویت ورزشی سه گروه ورزشکاران نخبه، تفریحی و غیر ورزشکاران را بررسی کردند. آنها گزارش کردند که افراد غیر ورزشکار در هر سه زیرمقیاس هویت اجتماعی، انحصارگرایی و تاثیرپذیری منفی نمره کمتری کسب کردند. در حالی که بین ورزشکاران نخبه و تفریحی در زیرمقیاس‌های انحصارگرایی و تاثیرپذیری منفی تفاوت معناداری مشاهده نشد (۱۷). همچنین

<sup>1</sup> Lamont-Mills & Christensen

اندرسون و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) رابطه میان هویت ورزشی و رفتار تمرینی را بررسی قرار دادند و بیان کردند که بین رفتار تمرینی، تناوب تمرینی و هویت ورزشی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد که با تحقیق حاضر همخوانی دارد (۲). ویلیامز<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) به بررسی هویت ورزشی دانشجویان ورزشکار پرداخته و بیان می‌کند که بین هویت ورزشی دانشجویان به تفکیک جنسیت، نژاد، سال ورود به دانشگاه و سابقه ورزشی تفاوت معناداری وجود دارد (۲۵).

هویت ورزشی، حاصل فرایند نقش‌سازی پیچیده‌ای است که نتیجه آن ارائه رفتار مورد انتظار است. اگر مدرسین در کلاس‌های تربیت بدنی عمومی نتوانند در مجموع مولفه‌هایش بر هویت ورزشی دانشجویان تاثیرگذار باشند، پس در دستیابی به اهداف خود که مهمترین آن‌ها بهبود نگرش، مشارکت و رفتار ورزشی مورد انتظار از سوی دانشجویان است ناتوان به نظر می‌رسند. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش قنبرزاده (۱۳۷۰)، مبنی بر اثر بخش بودن واحدهای تربیت بدنی عمومی در دستیابی به اهداف عمومی خود همخوانی دارد (۸). این نتایج نشان می‌دهد که ارتقای هویت ورزشی در یک فرد در مدت زمان کوتاه یک ترم تحصیلی امکان‌پذیر است که به معنای درونی‌تر کردن نگرش فرد نسبت به مشارکت ورزشی می‌باشد. هر چه این فرایند درونی‌سازی افزایش یابد، تأیید نقش ورزشکاری در محیط‌های اجتماعی ارتقا می‌یابد، به طوری که در مورد ورزشکاران نخبه یا حرفه‌ای به نقش برتر و یا تعیین کننده بدل می‌شود. این که مدرسین واحدهای تربیت بدنی عمومی، خود تا چه اندازه با اهداف عمومی و اختصاصی این واحد درسی آشنا هستند و تا چه حد برنامه درسی پیاده شده، اهداف مورد نظر را دنبال می‌کند مسئله‌ای است که اظهار نظر پیرامون آن‌ها در چارچوب پژوهش حاضر نمی‌گنجد. همچنین کشاورز و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند که سبک رهبری مربیان تیم‌های لیگ برتر با هویت ورزشی بازیکنان نخبه هندبال بانوان ارتباط دارد (۱۶). به علاوه همتی نژاد و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که سبک رهبری آموزش و تمرین مربیان با هویت ورزشی بازیکنان لیگ برتر هندبال ارتباط مثبت و معناداری دارد (۱۳). این نتایج نشان می‌دهند که ارتقای هویت ورزشی در یک فرد بوسیله‌ی سبک رهبری اتخاذ شده مدرسین امکان‌پذیر است که به معنای درونی‌تر کردن نگرش دانشجو نسبت به مشارکت ورزشی می‌باشد. هر چه این فرایند درونی‌سازی افزایش یابد، تأیید نقش ورزشکاری در محیط‌های اجتماعی ارتقا می‌یابد، به طوری که در مورد ورزشکاران نخبه یا حرفه‌ای به نقش برتر و یا تعیین کننده بدل می‌شود. از این رو ارتقای هویت ورزشی دانشجویان شرکت کننده در کلاس‌های واحد تربیت بدنی عمومی، به عنوان معیار نسبی درونی شدن نگرش مثبت نسبت به فعالیت بدنی و افزایش انگیزه مشارکت ورزشی است. هدف بسیار مهمی است که بر پایه یافته‌های پژوهش، توسط مدرسین واحدهای تربیت بدنی عمومی دنبال می‌شود.

<sup>1</sup> Anderson et al

<sup>2</sup> Williams

پرسشی که در اینجا می‌تواند مطرح شود این است که آیا صرف افزایش مشارکت ورزشی و حضور در واحدهای تربیت بدنی عمومی برای ارتقای هویت ورزشی کافی است؟ از عوامل مؤثر بر هویت ورزشی، می‌توان به میزان توجه اختصاص یافته به ورزش از سوی فرد و توجهات و انرژی‌های دریافتی از سوی دیگران اشاره کرد (۷). دانشجویان به واسطه‌ی حضور در این واحد درسی، خواسته یا ناخواسته مجبور به اختصاص بخشی از توجهات خویش به ورزش و فعالیت بدنی می‌شوند و در همین راستا انرژی‌هایی مثبت و یا منفی از سایرین، محیط و غیره دریافت می‌کنند که در صورت مثبت بودن این انرژی‌ها، زمینه برای ارتقای سطح نشاط و شادابی آنان به واسطه حضور در کلاس‌های تربیت بدنی عمومی فراهم می‌گردد. حال تا چه حد اختصاص وقت و انرژی از سوی فرد بدون در نظر گرفتن اجبار برای حضور در کلاس‌های درسی، انتظارات اجتماعی خود و دیگران را برآورده می‌سازد، موضوعی است که باید مورد توجه قرار گیرد. به طور کلی به نظر می‌رسد واحد تربیت بدنی عمومی پتانسیل تاثیرگذاری بر مولفه‌های هویت ورزشی را دارا باشد و از این رو باید جزئیات اجرایی آن و نوع مدیریت اتخاذ شده بوسیله‌ی مدرسین با دقت و توجه بیشتری مورد بازبینی قرار گیرد. در این ارتباط نوربخش و بزماورد (۱۳۹۵) نشان دادند که ارتباط معناداری میان سبک‌های رهبری مربیان با هویت ورزشی و رضایت مندی ورزشکاران در رشته‌های ورزشی تیمی و انفرادی منتخب آنها وجود دارد. آنها پیشنهاد کردند که مربیان سبک رهبری آموزش و تمرین را جهت بهبود رضایت ورزشکاران در شناسایی هویت ورزشی خود انتخاب کنند (۲۱). همچنین در پژوهش آقایی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داده شد که بین سبک رهبری مربیان و سبک‌های آموزش و تمرین، بازخورد مثبت و حمایت اجتماعی با هویت ورزشی ورزشکاران ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، در حالی که بین سبک‌های رهبری رفتار استبدادی و رفتار دموکراتیک با هویت ورزشی ورزشکاران ارتباط معناداری مشاهده نشد. در میان سبک‌های رهبری مربیان، سبک رهبری بازخورد مثبت و آموزش و تمرین بیشترین رابطه را با هویت ورزشی داشتند و سبک رهبری دموکراتیک و رفتار استبدادی کمترین رابطه را با هویت ورزشی نشان دادند (۱). بنابراین مدرسین کلاس‌های تربیت بدنی عمومی می‌توانند با انتخاب سبک رهبری مناسب و کارآمد به بهبود هویت ورزشی ورزشکاران تلاش کنند. این یافته نشان دهنده این امر است که محتوا و نحوه اجرای واحدهای درسی تربیت بدنی، کیفیت تعامل استاد و دانشجو و در نهایت ملموس بودن نتایج مطلوب آن بر هویت ورزشی دانشجویان موثر است. هر چند پژوهشی وجود دارد که نشان می‌دهد که گذراندن واحد تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ دانشگاه بیرجند بر هویت ورزشی دانشجویان تاثیرگذار نمی‌باشد (۱۴).

مشاهده زیرمقیاس‌های هویت ورزشی دانشجویان شرکت کننده نشان می‌دهد که هویت اجتماعی دانشجویان و مولفه‌های بیرونی بوسیله‌ی واحدهای تربیت بدنی عمومی در هر دو جنس تغییر معنادار کرد و زیرمقیاس‌های انحصارگرایی دانشجویان و تاثیرپذیری منفی در هر دو جنس بوسیله‌ی واحدهای تربیت بدنی عمومی تغییر معناداری نکرد. همچنین زیرمقیاس‌های هویت خود، تاثیرپذیری مثبت و مولفه‌های درونی بوسیله‌ی واحدهای تربیت بدنی عمومی تنها در دانشجویان دختر تغییر معناداری کرد،

در حالی که در پسران تغییری مشاهده نشد. انحصارگرایی میزان اهمیت نقش ورزشکار را در ارتباط با سایر فعالیت‌های روزمره را نشان می‌دهد و تاثیرپذیری منفی، میزان احساسات منفی فرد در پاسخ به نتایج غیرمطلوب مشارکت ورزشی را نشان می‌دهد که در هر دو جنس تغییر معناداری نکرد. احتمالاً کوتاه بودن زمان یک نیم سال تحصیلی و تعداد جلسات برای ایجاد تغییر در این زیرمقیاس‌ها کم است. چنانچه غیبت‌های دانشجویان را هم لحاظ کنیم، زمان حضور در کلاس‌ها کمتر هم می‌گردد. از این رو این تغییر در زیرمقیاس‌های انحصارگرایی و تاثیرپذیری منفی دانشجویان بوسه‌های واحدهای تربیت بدنی عمومی در هر دو جنس به زمان بیشتری نیاز دارد. همچنین هویت خود، میزان آگاهی فرد در ارتباط با نقش خود به عنوان یک ورزشکار را نشان می‌دهد. و تاثیرپذیری مثبت، میزان احساسات خوب فرد در پاسخ به نتایج مطلوب مشارکت ورزشی را نشان می‌دهد که نشان دهنده‌ی این موضوع است که درس تربیت بدنی عمومی می‌تواند موجب ارتقای این زیرمقیاس‌های هویت ورزشی در دانشجویان دختر گردد. هویت اجتماعی که از جایگاه ویژه‌ای در مباحث روان شناختی اجتماعی برخوردار است، به عنوان وجود یا در دسترس بودن افرادی است که فرد می‌تواند به آن‌ها اعتماد کند، به آن‌ها علاقمند باشد و در نهایت از آن‌ها انتظار حمایت داشته باشد. در واقع هویت اجتماعی، آگاهی فرد از تعلق نسبت به یک گروه اجتماعی معین است و ارزش و اهمیت عاطفی این عضویت به صورت سازه‌ای شناختی - اجتماعی مفهوم‌سازی می‌شود. این در حالی است که یک از اهداف مهم تربیت بدنی، ارتقای شناخت، نگرش و روابط اجتماعی است. در این ارتباط توکلی و همکاران (۱۳۹۰) عدم تاثیر واحدهای تربیت بدنی ۱ و ۲ را بر هویت ورزشی دانشجویان در دانشگاه بیرجند مشاهده کردند. به گونه جالب توجهی آنها اثر معنادار واحد درس تربیت بدنی ۱ را بر هویت اجتماعی، هویت خود، انحصارگرایی و تاثیرپذیری منفی دانشجویان دانشگاه بیرجند گزارش کردند. در حالی که واحد درس تربیت بدنی ۲ تنها بر هویت خود اثر معنادار داشت (۱۴). همچنین بورنز (۲۰۱۲) در پژوهش خود به بررسی ارتباط بین هویت ورزشی تفاوت‌های فردی و رضایت ورزشکاران در میان دانش‌آموزان ورزشکار پرداخت. نتایج حاصل از یافته‌های وی ارتباط بین هویت اجتماعی، عواطف منفی و رضایتمندی ورزشکاران را نشان داد (۵). بر پایه یافته‌های پژوهش حاضر، واحد تربیت بدنی عمومی بر زیرمقیاس هویت اجتماعی دانشجویان پسر و دختر تاثیرگذار بوده است. واحد تربیت بدنی عمومی ۱ دارای محتوایی انفرادی‌تر می‌باشد. از این رو انفرادی‌تر بودن واحد تربیت بدنی عمومی ۱ خود می‌تواند از دلایل احتمالی بدست آمدن یافته توکلی و همکاران باشد. بدیهی است تعیین برنامه مدون و منسجم برای ارتقای مناسبات اجتماعی از طریق ورزش و فعالیت بدنی در چارچوب این واحد مهم درسی می‌تواند زمینه تاثیرگذاری هر چه بیشتر در این راستا را فراهم سازد. ضمن اینکه احتمالاً تعامل اجتماعی استاد و دانشجو نیز بر این زیرمقیاس اثرگذار بوده و باید از آن به عنوان یک متغیر مهم یاد کرد.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، واحد تربیت بدنی عمومی بر زیرمقیاس انحصارگرایی دانشجویان پسر و دختر تاثیر ندارد. زیرمقیاس انحصارگرایی از اهمیت ورزش نسبت به دیگر فعالیت‌ها و پدیده‌های

اجتماعی خبر می‌دهد به طوری که فرد به مقایسه ورزش با سایر جنبه‌های زندگی خود پرداخته و اولویت آن را مشخص می‌سازد. این که واحد تربیت بدنی عمومی نتوانسته است اهمیت ورزش نسبت به دیگر فعالیت‌ها را در زندگی دانشجویان افزایش دهد، نتیجه خیلی غیر معمولی نیست. زیرا تصور می‌شود که ورزش در مدت زمان کوتاه به عنوان یک اولویت اصلی نسبت به دیگر فعالیت‌های زندگی قرار نگیرد. از این رو چنین استنباط می‌شود که واحد تربیت بدنی عمومی، نقش بارزی در ارتقای نگرش دانشجویان نسبت به اهمیت ورزش در سبک زندگی ایفای نقش نکند. در این ارتباط عدم تاثیر گذاردن واحد تربیت بدنی ۲ را بر انحصارگرایی هویت ورزشی گزارش شده است (۱۴). که با یافته‌های کلی این پژوهش همخوانی دارد. آنچه مسلم است جامعه روز به روز تاکید خود را بر اهمیت ورزش و فعالیت بدنی بیشتر کرده و تبلیغات گسترده‌ای مبنی بر لزوم قرارگیری فعالیت بدنی منظم به عنوان بخش قابل توجهی از سبک زندگی وجود دارد.

همچنین بر پایه‌ی یافته‌های پژوهش حاضر، واحد تربیت بدنی عمومی بر زیرمقیاس هویت خود دانشجویان دختر تاثیر دارد. این یافته مؤید این امر است که واحد تربیت بدنی عمومی می‌تواند میزان آگاهی دانشجوی دختر نسبت به نقش ورزشکاری خود را به طور معناداری افزایش دهد که این امر می‌تواند ناشی از افزایش مشارکت ورزشی دانشجویان دختر از یک طرف، تاثیرات روانی و فیزیولوژیکی واحد تربیت بدنی عمومی و همچنین افزایش شناخت ورزشی آنان از سوی دیگران باشد. این یافته‌ها با تحقیق توکلی و همکاران (۱۳۹۰) که مشاهده کردند گذاردن هر دو واحد تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ دانشگاه بیرجند بر زیرمقیاس هویت خود دانشجویان تاثیرگذار است با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد (۱۴). هر چند در دانشجویان پسر چنین تغییراتی مشاهده نشد. احتمالاً دلیل عدم تغییر پسران سطح فعالیت بدنی پسران و دختران است. بنابراین یک جلسه در هفته در مدت زمان کوتاه نتوانسته تغییرات معناداری بر زیرمقیاس هویت خود دانشجویان پسر ایجاد کند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد زیرمقیاس تاثیرپذیری مثبت دانشجویان دختر بوسیله‌ی واحد تربیت بدنی عمومی تغییر می‌کند. تاثیرپذیری مثبت به احساسات خود فرد در پاسخ به نتایج مطلوب مشارکت ورزشی اطلاق می‌شود. از این رو نتیجه بدست آمده نشان می‌دهد که واحد درسی تربیت بدنی عمومی توانسته زمینه‌ساز ایجاد احساسات خوب در دانشجویان دختر باشد و در نهایت نتیجه مورد انتظار را به دنبال خواهد داشت که این نتایج دلخواه همانا مشارکتی ورزشی بیشتر خواهد بود. همچنین زیرمقیاس مقیاس تاثیرپذیری منفی بوسیله‌ی واحد درس تربیت بدنی در هر دو جنس تغییر معنادار کرد که این نتیجه موید این مطلب است که واحد درس تربیت بدنی احساسات منفی دانشجویان را در پاسخ به نتایج نامطلوب بیشتر نکرده است که این خود می‌تواند یک نکته مثبت باشد. زمانی دانشجوی می‌تواند اهداف واحدهای تربیت بدنی عمومی را با جدیت دنبال کند که خود با علاقه‌مندی بیش از پیش در کلاس‌ها حضور یافته و احساسات مطلوبی به حضور خویش در این کلاس‌ها دریافت کند. هر چند به نظر می‌رسد کلاس‌های تربیت بدنی عمومی در دانشگاه‌های سراسر کشور در جذب دانشجویان ناموفق باشند که این

را می‌توان از روی میزان حضور دانشجویان در کلاس ادعا کرد. البته این نکته را هم نباید نادیده گرفت که میزان حضور دانشجویان در کلاس متأثر از دلایل خیلی مهم دیگری می‌باشد که در چارچوب پژوهش حاضر نمی‌گنجد.

به علاوه یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که واحدهای درسی تربیت بدنی عمومی می‌تواند مولفه‌ی بیرونی هویت ورزشی دانشجویان دختر و پسر را تغییر دهد. از آنجایی که اکثر زیرمقیاس‌های هویت ورزشی بوسیله‌ی واحدهای تربیت بدنی عمومی در دانشجویان دختر تغییر کرده است، این انتظار می‌رفت که مولفه‌های درونی و بیرونی هویت ورزشی دانشجویان دختر نیز بوسیله‌ی واحدهای تربیت بدنی عمومی تحت تاثیر قرار گیرد. در پژوهش توکلی و همکاران (۱۳۹۰) هیچ گونه اشاره‌ای به مولفه‌های درونی و بیرونی هویت ورزشی نگردیده است.

### نتیجه‌گیری

به طور کلی، به نظر می‌رسد واحدهای درسی تربیت بدنی عمومی قابلیت تغییر هویت ورزشی دانشجویان، بویژه دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی را دارد که هدف والایی در این راستا محسوب می‌شود. زیرا که می‌تواند به مشارکت بیشتر دانشجویان دختر در فعالیت ورزشی و درونی شدن فرهنگ ورزشی در آن‌ها بیانجامد. همچنین مدرسین درس تربیت بدنی عمومی با توجه به شرایط و اقتضائات همواره می‌توانند هویت ورزشی را به عنوان یک سازه‌ی مهم روانی و اجتماعی مورد توجه قرار دهند و با کشف ابعاد تاثیرگذار بر آن، گام‌های ارزشمندی جهت مشارکت هر چه بیشتر دانشجویان فراهم سازند.

### منابع

- 1- Aghaei M, Moharramzadeh M, Vahdani M, Hoseinpour E. (2013). The relationship among servant leadership style, team effectiveness, and team performance in the Iranian men's Volleyball pro-league teams Sport Psychology Review. 2(3):51-62(In Persian).
- 2- Anderson CB, Mâsse LC, Hergenroeder AC. (2007). Factorial and construct validity of the athletic identity questionnaire for adolescents. Medicine and science in sports and exercise. 39(1):59-69.
- 3- Brewer BW, Petitpas AJ, Van Raalte JL, Mahar MT. (1993). Identity foreclosure, athletic identity, and college sport participation. The Academic Athletic Journal. 6:1-13.
- 4- Brewer BW, Van Raalte JL, Linder DE. (1993). Athletic identity: Hercules' muscles or Achilles heel? International journal of sport psychology.
- 5- Burns GN, Jasinski D, Dunn SC, Fletcher D. (2012). Athlete identity and athlete satisfaction: The nonconformity of exclusivity. Personality and Individual Differences. 52(3):280-4.



- 6- Cabrita T, Rosado A, de La Vega R, Serpa S. (2014). Relaciones entre identidad atlética y personalidad en el deporte de competición. *Revista de Psicología del Deporte*. 23(2):247-53.
- 7- Cieslak TJ. (2004). Describing and measuring the athletic identity construct: Scale development and validation: The Ohio State University.
- 8- Ghanbarzadeh, M.(1992). Evaluating the Performance and Implementation of Physical Education Unit 1 in Universities and Higher Education Institutions from the Perspective of Students, Teachers and Officials.: Kharazmi University Tehran.
- 9- Good AJ, Brewer BW, Petitpas AJ, Van Raalte JL, et al. (1993). Identity foreclosure, athletic identity, and college sport participation. *The Academic Athletic Journal*. 8:1-12.
- 10- Hsu C-y, McCulloch CE, Iribarren C, Darbinian J, et al. (2006). Body mass index and risk for end-stage renal disease. *Annals of internal medicine*. 144(1):21-8.
- 11- Horn TS. (2008). Coaching effectiveness in the sport domain.
- 12- Hurst R, Hale B, Smith D, Collins D. (2000). Exercise dependence, social physique anxiety, and social support in experienced and inexperienced bodybuilders and weightlifters. *British Journal of Sports Medicine*. 34(6):431-5.
- 13- Hemmatinezhad MA, Shafiei Kordshouli S, Hajiabadi M. (2016). Relationship between leadership style of coaches and the identity of the players of the Iranian Handball Premier League Sport Physiology & Management Investigations. 8(3):79-92(In Persian).
- 14- Hosini TMh. (2011). The Effects of General Physical Education Units 1 and 2 on Sports Identity of Students at Birjand University: Birjand University.
- 15- Horton RS, Mack DE. (2000). Athletic identity in marathon runners: Functional focus or dysfunctional commitment? *Journal of sport behavior*. 23(2).
- 16- Keshavarz L, Farahani A, Najdsamiei M. (2014).The relationship between leadership style of the coaches of the Premier League teams with the sporting identity of the female elite handball players of Iran *Scientific Journal Of Organizational Behavior Management in Sport Studies*. 1(4):69-78(In Persian).
- 17- Lamont-Mills A, Christensen SA. (2006). Athletic identity and its relationship to sport participation levels. *Journal of Science and Medicine in Sport*. 9(6):472-8.
- 18- Martin JJ. (2006). Psychosocial aspects of youth disability sport. *Adapted physical activity quarterly*. 23(1):65-77.

- 19- Martin JJ, Eklund RC, Mushett CA. (1997). Factor structure of the athletic identity measurement scale with athletes with disabilities. *Adapted Physical Activity Quarterly*.14(1):74-82.
- 20- Matheson H, Brewer B, Van Raalte J. (1995). 36 Athletic identity of national level badminton players: a cross-cultural analysis. *Science and racket sports*. 228.
- 21- Nourbakhsh P, Bazmavard, S. (2016).The relationship between leadership styles of coaches with sport identity and athletes' satisfaction in selected team sports and individual sports. *Journal of sport management and motor behavior*. 12(24):121-34 (In Persian).
- 22- Shabani A, Sofi MR. (2015). The effect of the media: on sport and recreation. *Communication Management in Sports Media*. 3(9):24-9(In Persian).
- 23- Shajih R, Sohrabi M, Fooladian J. (2010).Comparison of the sport identity of the players of the national handball teams of Iran. *Journal of Sport Sciences Research*. 4:87-104 (In Persian).
- 24- Tasiemski T, Kennedy P, Gardner BP, Blaikley RA. (2004). Athletic identity and sports participation in people with spinal cord injury. *Adapted Physical Activity Quarterly*.21(4):364-78.
- 25- Williams DJ. (2007). An examination of athletic identity, sport commitment, time in sport, social support, life satisfaction, and holistic wellness in college student-athletes: The University of North Carolina at Greensboro.
- 26- Wiechman SA, Williams J. (1997). Relation of athletic identity to injury and mood disturbance. *Journal of Sport Behavior*.20(2):199.
- 27- Yukhymenko-Lescroart MA. (2018). On identity and sport conduct of student-athletes: Considering athletic and academic contexts. *Psychology of Sport and Exercise*.34:10-9.